یادداشت پیماز

احمد شهرابی

رجایی، روایت ماندگار خدمت در میانه آتش و ترور

هفته دولت در حافظه جمعی ایران، فقط نام یک بازه زمانی در تقویم نیست؛ یادآور یک حقیقت تلخ و در عین حال باشکوه است: این که در تاریخ این سرزمین، گاه خدمتگزاران راستین مردم، نه با تقدیر و تکریم، بلکه با گلوله، آتش و ترور بدرقه شده‌اند. شهادت شهیدان رجایی و باهنر و دیگر اعضای دولت، فقط یک حادثه سیاسی نبود؛ صحنه‌ای بود از مظلومیت عریان انسان‌هایی که در میانه مسئولیت، صداقت و ساده‌زیستی، قربانی خشونت کور شدند.

رجایی، در حافظه عمومی، بیش از آن که یک رئیس‌جمهور باشد، نماد یک منش است؛ منش معلمی که به قدرت به چشم غنیمت نگاه نکرد، بلکه آن را امانت دانست. او از جنس سیاستمدارانی نبود که فاصله خود را با مردم به تشریفات، زبان پیچیده و سبک زندگی ممتاز گره بزنند. صداقت، سادگی، پرهیز از تجمل و نگاه مردمی به مدیریت، او را به چهره‌ای متمایز تبدیل کرد؛ چهره‌ای که حتی دشمنی‌ها نیز نتوانستند آن را از حافظه اجتماعی پاک کنند. همین صداقت، شاید مهم‌ترین دلیل مظلومیت او بود، زیرا در جهانی که قدرت‌ورزی با نمایش و مصلحت‌سنجی‌های بی‌پایان تعریف می‌شود، ساده‌زیستی صادقانه همیشه آسیب‌پذیرتر است.

اما مظلومیت شهید رجایی، تنها در شهادتش خلاصه نمی‌شود. او پیش از آن که در انفجار دفتر نخست‌وزیری به شهادت برسد، در میدان سیاست و اداره کشور نیز با دشواری‌های فراوان روبه‌رو بود. دولتی که در شرایط بحران، جنگ، ترور، فشارهای خارجی و آشفتگی‌های داخلی شکل گرفته بود، به جای آن که فرصت تنفس داشته باشد، پیوسته در معرض تهدید قرار داشت. در چنین وضعیتی، خدمت کردن خود نوعی ایستادگی بود و این ایستادگی، هزینه داشت. رجایی و یارانش، این هزینه را پرداختند.

شهادت اعضای هیئت دولت نیز تصویری تکان‌دهنده از خشونت علیه خدمت عمومی ارائه می‌دهد. آنان کسانی بودند که در اتاق‌های تصمیم‌گیری، نه برای کسب امتیاز، بلکه برای اداره کشور و پاسخ به نیازهای مردم حضور داشتند. اما ترور، این پیام را حمل می‌کرد که حتی فضای تصمیم‌سازی هم از تیررس نفرت و حذف در امان نیست. از این زاویه، هفته دولت صرفاً یادبود یک رخداد نیست؛ فرصتی است برای بازخوانی نسبت قدرت و اخلاق. رجایی و باهنر و دیگر شهیدان دولت، این پرسش را پیش روی ما می‌گذارند که آیا سیاست می‌تواند خادم انسان باشد، نه ابزار سلطه بر او؟ آیا مدیریت عمومی می‌تواند بر پایه صداقت، زهد و مردم‌داری بنا شود؟ پاسخ این پرسش‌ها را نه در شعار، بلکه در زندگی و مرگ این شهدا باید جست‌وجو کرد.

مظلومیت این عزیزان، مظلومیت فقط یک فرد نیست؛ مظلومیت یک نوع نگاه به حکمرانی بود. نگاهی که به جای اشرافیت سیاسی، به مسئولیت اخلاقی تکیه داشت؛ به جای فاصله‌گذاری با مردم، بر همزیستی با آنان اصرار می‌ورزید؛ و به جای قدرت‌طلبی، خدمت را معیار می‌دانست. شاید همین نگاه بود که آنان را محبوب کرد و در عین حال در برابر دشمنی‌ها آسیب‌پذیر ساخت. خدمتگزاران صادق، همیشه در معرض سوءظن، تحریف، تخریب و حذف‌اند؛ زیرا صداقت، آینه‌ای است که چهره واقعی بی‌اخلاقی را آشکار می‌کند. هفته دولت، اگر درست فهمیده شود، نباید فقط به مراسم، پیام تبریک، یا گزارش عملکرد تقلیل یابد. این هفته باید به صحنه‌ای برای بازگشت به معنای شهادت باشد. شهادت رجایی و یارانش یک پایان نیست، بلکه آغاز یک مسئولیت تاریخی است؛ مسئولیت زنده نگه داشتن الگوی مدیریتی که از دل مردم برآمد، با مردم زیست و برای مردم جان داد.

در زمانه‌ای که افکار عمومی بیش از هر چیز نیازمند صداقت، کارآمدی و اعتماد است، بازخوانی مظلومیت شهید رجایی و اعضای هیئت دولت، صرفاً ادای احترام به گذشته نیست؛ نوعی نیاز امروز است. جامعه‌ای که الگوهای خدمت صادقانه را فراموش کند، به‌تدریج میان سیاست و اخلاق، شکاف عمیق‌تری تجربه خواهد کرد، اما اگر این الگوها زنده بمانند، هنوز می‌توان امید داشت که سیاست، دوباره به معنای واقعی‌اش نزدیک شود: تدبیر برای خیر عمومی.

هفته دولت، در نهایت، هفته یادآوری یک حقیقت است: گاهی بزرگ‌ترین خدمتگزاران، مظلوم‌ترین قربانیان‌اند. و شاید راز ماندگاری رجایی و یارانش نیز همین باشد؛ آنان در میانه آتش و خون، از مردم جدا نشدند، و همین پیوند با مردم بود که نامشان را جاودانه کرد. مظلومیت آنان، به جای فراموشی، به حافظه ملی تبدیل شد؛ حافظه‌ای که هر سال باید دوباره خوانده شود تا فراموش نکنیم که دولت مطلوب، دولتی است که برای مردم باشد، حتی اگر بهای آن، جان خدمتگزارانش باشد.

گزیده خبر

در بیانیه ارتش به مناسبت هفته دولت مطرح شد

هم‌افزایی و وحدت ملی فشار دشمنان را خنثی می‌کند

ارتش جمهوری اسلامی ایران در بیانیه‌ای به مناسبت فرارسیدن هفته دولت، بر آمادگی همه‌جانبه برای همکاری و همراهی با قوه مجریه در مسیر رفع مشکلات مردم و عبور سرافرازانه از شرایط کنونی تأکید کرد.

به گزارش روابط عمومی ارتش، ارتش جمهوری اسلامی ایران با صدور بیانیه‌ای، فرارسیدن هفته دولت را به تمامی خدمتگزاران صدیق میهن اسلامی تبریک گفت و تأکید کرد: هم‌افزایی و وحدت ملی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران در عبور از شرایط سخت و خنثی‌سازی فشارهای دشمنان است. در بیانیه ارتش آمده است: هفته دولت، یادآور نام و راه بزرگمردانی است که خدمت به مردم، صیانت از آرمان‌های انقلاب اسلامی و سربلندی ایران عزیز را سرلوحه زندگی خویش قرار دادند؛ هفته‌ای که با نام و یاد شهیدان والامقام محمدعلی رجایی و محمدجواد باهنر، دولتمردان شهید و الگوهای ماندگار ساده‌زیستی، اخلاص و مردم‌داری، پیوند خورده است.

همچنین یاد و نام شهید آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور شهید و خادم‌الرضا(ع) را نیز که با روحیه‌ای جهادی، خستگی‌ناپذیر و مردمی در مسیر خدمت به مردم و پیشرفت کشور گام برداشت، گرامی می‌داریم. شهیدان رجایی، باهنر و رئیسی، هر یک در مقطعی از تاریخ پرافتخار جمهوری اسلامی، جلوه‌ای از مسئولیت‌پذیری، اخلاص، ساده‌زیستی، مردم‌داری و خدمت بی‌منت را به نمایش گذاشتند و امروز راه و منش آنان، چراغ راه مسئولان در مسیر خدمت به ملت بزرگ ایران است. هفته دولت امسال در شرایطی فرارسیده است که ملت ایران در معرض آزمونی بزرگ و شرایطی متفاوت از گذشته قرار دارد؛ شرایطی که اداره امور کشور، حفظ اتحاد و انسجام جامعه، تأمین نیازهای اساسی مردم و استمرار فعالیت‌های اقتصادی و خدماتی، در کنار صیانت از امنیت و تمامیت ارضی کشور، نیازمند همدلی، تلاش خستگی‌ناپذیر، تدبیر و هماهنگی همه ارکان نظام اسلامی است. ارتش جمهوری اسلامی ایران با قدردانی از تلاش‌ها و اقدامات دولت چهاردهم در مدیریت امور کشور در شرایط دشوار و جنگی، و با ارج نهادن به رویکردهای دولت در حفظ روند خدمت‌رسانی، پشتیبانی از مردم، تأمین نیازهای اساسی و تقویت هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی و نیروهای مسلح، بر این باور است که هم‌افزایی و وحدت ملی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران در عبور از شرایط سخت و خنثی‌سازی فشارهای دشمنان است.

ارتش جمهوری اسلامی ایران ضمن گرامیداشت یاد و خاطره تمامی شهدای دولت و دولتمردان شهید، برای رئیس‌جمهور محترم و اعضای دولت محترم در مسیر خدمتگزاری به ملت شریف ایران آرزوی توفیق داشته و بر آمادگی همه‌جانبه خود برای همکاری و همراهی با دولت در مسیر اعتلای ایران اسلامی، تقویت اقتدار ملی، رفع مشکلات مردم و عبور سرافرازانه از شرایط کنونی تأکید می‌کند.

قضائی

مسیر قضایی جبران خسارت تحریم‌های دارویی گشوده شد

نفت توقیفی امریکا به نفع ۷۷۱ بیمار پروانه‌ای فروخته شد

مهرداد اصفهانی | میزان

اجرای حکم دادخواهی ۷۷۱ بیمار پروانه‌ای علیه دولت امریکا وارد مرحله تازه‌ای شد. رئیس شعبه ۵۵ دادگاه امور بین‌الملل از توقیف یک نفتکش و فروش محموله نفت متعلق به امریکا در سال ۱۴۰۲ خبر داد و اعلام کرد وجوه حاصل از این فروش، پس از طی مراحل قانونی، برای جبران بخشی از خسارت واردشده به بیمارانی که بر اثر تحریم‌ها از دسترسی به داروهای حیاتی محروم‌شده‌اند، اختصاص یافته است؛ اقدامی که می‌تواند مسیر قضایی جدیدی را برای جبران خسارت دیگر بیماران ایرانی از محل اموال توقیف‌شده امریکا بگشاید.

به گزارش خبرگزاری میزان، رئیس شعبه ۵۵ دادگاه امور بین‌الملل روز گذشته با تشریح روند اجرای حکم پرونده دادخواهی ۷۷۱ بیمار پروانه‌ای علیه دولت امریکا و سردمداران آن، از توقیف نفتکش و فروش محموله نفت متعلق به امریکا در سال ۱۴۰۲ خبر داد و گفت: وجوه حاصل از فروش این محموله به حساب قوه قضاییه واریز شده و دستورات قضایی لازم برای توزیع آن صادر شده است.

■ بیماران پروانه‌ای نخستین دادخواهان علیه امریکا

وی با تشریح جزئیات این پرونده اظهار کرد: دادگاه برای اجرای حکم توقیف نفتکش و نفت متعلق به امریکا، در قالب اجرای رأی قطعی صادرشده در پرونده دادخواهی بیماران پروانه‌ای علیه دولت امریکا و سردمداران آن تشکیل شده است. رئیس شعبه ۵۵ دادگاه امور بین‌الملل افزود: پرونده حاضر با دادخواهی ۷۷۱ نفر از بیماران پروانه‌ای کشور و تحت نظارت مؤسسه مردم‌نهاد بیماران پروانه‌ای، با خواسته مطالبه خسارت مادی و تنبیهی ناشی از تحریم‌های غیرقانونی و ناعادلانه و محرومیت این بیماران از دسترسی به دارو تشکیل شد. این پرونده پس از رسیدگی منتهی به صدور رأی شد و پس از ابلاغ رأی و طی تشریفات قانونی، اجراییه نیز صادر و ابلاغ شد. وی گفت: دادگستری استان تهران و شعبه ۵۵ دادگاه امور بین‌الملل، بر اساس دستورات صادره، در سال ۱۴۰۲ نسبت به توقیف یک نفتکش امریکایی در خلیج فارس اقدام کردند. محموله نفتی متعلق به دولت امریکا تخلیه و کشتی آزاد شد و پس از احراز و حصول علم قطعی و قاطع درباره تعلق نفت به دولت امریکا، بر اساس سلسله‌مراتب دستورات قضایی، این محموله به‌طور کاملاً قانونی و با رعایت قانون اجرای احکام مدنی به فروش رسید و وجه حاصل از آن به حساب قوه قضاییه واریز شد.

رئیس شعبه ۵۵ دادگاه امور بین‌الملل ادامه داد: دادگاه در مقام اجرای حکم صادرشده علیه دولت امریکا و با رعایت کامل تشریفات قانونی، دستورات لازم را بر مبنای قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و قوانین مربوط صادر کرده و دستور توزیع این وجوه را به مرجع صالح ابلاغ کرده است. بر اساس دستورات صادره، سازمان مردم‌نهاد بیماران پروانه‌ای «خانه ای‌بی» مکلف شده است مبلغ ۲ میلیارد تومان را به حساب هر یک از بیماران پروانه‌ای دادخواه علیه دولت امریکا تخصیص داده و واریز کند.

■ احراز دخالت امریکا در منع دسترسی بیماران ایرانی به دارو

رئیس شعبه ۵۵ دادگاه امور بین‌الملل درباره مبنای رسیدگی قضایی به این پرونده گفت: دادگاه در جریان رسیدگی، اقدامات متعدد و گسترده‌ای را برای احراز این موضوع انجام داد که آیا دولت امریکا عملاً موجبات منع دسترسی بیماران ایرانی به دارو را فراهم کرده است یا خیر. در این مسیر، استعلامات متنوعی از مراجع داخلی و خارجی، از جمله مراجع پزشکی قانونی و سازمان‌های مردم‌نهاد انجام شد. در نهایت، دادگاه به مستندات مکتوب، متقن و قابل استنادی دست یافت که مؤید دخالت مستقیم و غیرمستقیم دولت امریکا در ایجاد محدودیت برای دسترسی بیماران ایرانی به دارو بوده است.

بر اساس این مستندات، وزارت خزانه‌داری امریکا تحت نظارت دولت این کشور، یا به‌طور مستقیم زمینه عدم تخصیص دارو به بیماران ایرانی را فراهم کرده یا با ممنوعیت مبادلات و مکاتبات مالی با ایران، شرایطی ایجاد کرده است که شرکت‌های دارویی از انجام معامله و ارسال دارو برای بیماران ایرانی باز مانده‌اند.

رئیس شعبه ۵۵ دادگاه امور بین‌الملل افزود: اگرچه ممکن است در برخی موارد دستور صریحی مبنی بر نرساندن دارو به شرکت‌ها ابلاغ نشده باشد، اما ترس ناشی از تحریم‌های امریکا و محدودیت‌های مالی، در عمل امکان هرگونه معامله و ارسال دارو برای بیماران ایرانی را از میان برده است. وی با اشاره به حق دسترسی به دارو به‌عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق بشری گفت: در محدوده موضوع این پرونده، حق بنیادین دسترسی بیماران به دارو آسیب دیده و بیماران پروانه‌ای، به دلیل تحریم‌های غیرقانونی و نامشروع، از دسترسی عادلانه به دارو محروم شده‌اند.

به گفته وی، دادگاه حقوقی تهران در رسیدگی به دادخواهی این بیماران، حکمی مبسوط و مستند در بیش از ۱۰۰ صفحه صادر کرده است؛ حکمی که در آن سیر تحریم‌های امریکا علیه ایرانیان، استعلام از مراجع داخلی و خارجی، مراکز پزشکی قانونی و سازمان‌های مردم‌نهاد مورد بررسی قرار گرفته و دادگاه بر اساس مستندات موجود به این نتیجه رسیده است که بیماران پروانه‌ای عملاً از دسترسی به داروهای حیاتی خود محروم شده‌اند.

رئیس شعبه ۵۵ دادگاه امور بین‌الملل رفتار دولت امریکا را غیرقانونی، نامشروع و مغایر با موازین حقوقی و انسانی توصیف کرد و گفت: در این پرونده و در مقام جبران حداقل خسارت واردشده به این بیماران، نفت متعلق به دولت امریکا بر اساس قوانین و مقررات توقیف و سپس به فروش رسید. وی افزود: وجوه حاصل از این اقدامات قانونی اکنون با رعایت تشریفات قضایی در اختیار بیماران واجد شرایط قرار خواهد گرفت و این اقدام، نخستین گام در مسیر جبران خسارت بیماران به شمار می‌رود.

■ اقامه دعوای بیماران تالاسمی در مسیر رسیدگی

رئیس شعبه ۵۵ دادگاه امور بین‌الملل با تأکید بر ادامه این روند گفت: در مراحل بعدی، پرونده بیماران مبتلا به تالاسمی و دیگر بیمارانی که نسبت به تقدیم دادخواست اقدام کرده‌اند نیز بر اساس احراز شرایط قانونی و تصمیمات قضایی مربوط مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت. وی تصریح کرد: تأمین وجوه لازم برای جبران خسارت بیماران ایرانی از محل توقیف اموال متعلق به امریکا، در چارچوب سلسله‌مراتب قانونی و قضایی دنبال خواهد شد و بیماران پروانه‌ای به‌عنوان نقطه آغاز این روند و نمادی از مظلومیت بیمارانی که با مشکل دسترسی به دارو مواجه شده‌اند، در اولویت قرار گرفته‌اند.

رئیس شعبه ۵۵ دادگاه امور بین‌الملل همچنین گفت: سازمان مردم‌نهاد خانه بیماران پروانه‌ای مکلف است از طریق مدیرعامل و با نظارت دستگاه ضابط، وجوه اختصاص‌یافته را مطابق دستور دادگاه و در کوتاه‌ترین زمان میان بیماران توزیع کند و گزارش کامل نحوه توزیع و اقدامات انجام‌شده را به دادگاه ارائه دهد.

وی در پایان با اشاره به میزان وجوه حاصل از فروش مال توقیف‌شده متعلق به دولت امریکا اظهار کرد: ارزش مجموع مال توقیف‌شده و وجوه حاصل از فروش نفت متعلق به امریکا حدود ۳۶ یا ۳۷ میلیون دلار بوده است و این مبلغ با اولویت‌بندی بیماران و در چارچوب تصمیمات قضایی میان دادخواهان ایرانی توزیع خواهد شد. بر این اساس، اجرای حکم پرونده ۷۷۱ بیمار پروانه‌ای تنها به جبران خسارت این گروه محدود نخواهد ماند و با ادامه روند رسیدگی به دادخواست‌های دیگر، بیماران مبتلا به تالاسمی و سایر بیمارانی که در این زمینه اقامه دعوا کرده‌اند نیز، پس از احراز شرایط قانونی، می‌توانند در مسیر جبران خسارت از محل اموال توقیف‌شده دولت امریکا قرار گیرند؛ مسیری که با فروش محموله نفت توقیفی و اختصاص وجوه آن به بیماران پروانه‌ای، نخستین گام عملی خود را برداشته است.

عملیات روانی در سیکل معیوب فشار اقتصادی

جنگ اقتصادی بی‌پاسخ نمی‌ماند

گزارش
فائزه سادات یوسفی

تهدیدات امریکا مبنی بر ایجاد فشار اقتصادی «خفه‌کننده» یا «بزرگ‌ترین تهاجم مالی» بیشتر از آن که جنبه اقتصادی داشته باشد، محتوای عملیات روانی دشمن بر افکار عمومی و سیاستمداران ایرانی با اهداف متنوع است. امریکا می‌کوشد با این تهدیدها، جایگاه تهدیدگر خود را تثبیت کرده و سایه وحشت خویش را بر مردم بگستراند تا از آن بهره‌برداری کند؛ جایی که شکست‌های مکرر نظامی در جنگ و نبود راهبرد برای تداوم منازعه علیه ایران، تصویر معیوب و ورشکسته‌ای از امریکای قدرتمند در جهان منعکس کرده است. به تعبیری، این اقدام پوششی برای موقعیت متزلزل امریکا است تا وانمود کند که قدرت ادعایی‌اش همچنان پابرجاست.

از طرف دیگر، تحریم حداکثری تلاش امریکا برای نمایش در دسترس بودن یا در اختیار داشتن کارت‌های بازی خود علیه ایران در جنگ است. امریکا می‌کوشد شکست خود را در اقدام نظامی با به‌کارگیری ابزارهای در دسترس دیگر جایگزین کند که این اعترافی آشکار به ناکارآمدی گزینه سخت نظامی است. در واقع، جنگ اقتصادی نمایانگر به باور رسیدن امریکا در شکست در تداوم جنگ نظامی است. علاوه بر این، تحریم‌های حداکثری پاسخی مأیوسانه به افکار عمومی داخلی امریکا برای خروج از فشارهای متعدد سیاسی است، وقتی که شعارها و اهداف جنگی میسر نشده و مخالفت‌های متعددی در بین مردم و سیاستگذاران برای ادامه جنگ وجود دارد. به نوعی، این اقدام پاسخی به انتظاراتی در امریکا است که خواهان رصد نتیجه این جنگ هستند.

■ کارنامه بلند ناکارآمدی فشارهای اقتصادی

راهبرد فشار اقتصادی برای تغییر رفتار در تهران، سیاستی کهنه و قدیمی علیه ایران است که به گفته بسیاری از کارشناسان و ناظران بین‌المللی ناکارآمد بوده و حتی به طور معکوس موجب رشد شده و ایران را به یکی از ماهرترین کشورها در خنثی‌سازی فشارهای اقتصادی تبدیل کرده است. از نظر آنها، ادامه این سیاست پس از جنگ نیز نمادی از شکست امریکا است که همچون گذشته هیچ نتیجه‌ای نداشته و حتی برای امریکا مضر هم خواهد بود.

به گفته آنها، ایران طی بیش از چهار دهه، مکانیسم‌های پیچیده‌ای برای انطباق با تحریم‌ها توسعه داده است. از نظر آنها، بیشترین فشار اقتصادی معمولاً در مرحله اولیه تحریم اتفاق می‌افتد و با گذشت زمان، کشور هدف خود را با شرایط جدید تطبیق می‌دهد. در نتیجه، احتمال اینکه تحریم در بلندمدت بتواند کشور را وادار به پذیرش خواسته‌های تحریم‌کننده کند، به شدت کاهش می‌یابد.

پژوهش‌های متعددی نیز نشان می‌دهند که با وجود هزینه‌های اقتصادی قابل توجه، تحریم‌ها نتوانسته‌اند اهداف راهبردی مدنظر امریکا را محقق کنند. این پژوهش‌ها ضمن بررسی کاهش صادرات نفت و افت تولید ناخالص داخلی در دوره‌های مختلف، در نهایت بر نقش مقاومت حکومت، توانایی دور زدن تحریم‌ها و عوامل ژئوپلیتیکی به عنوان دلایل اصلی ناکامی تحریم‌ها تأکید دارند. آلن آیر، دیپلمات سابق امریکایی و از اعضای تیم مذاکره‌کننده برجام، طی ماه اخیر در گفت‌وگو با الجزیره درباره تحریم‌های جدید امریکا علیه ایران گفت این تحریم‌ها بیشتر ناشی از «سرخوردگی و ناکامی امریکا» است تا یک راهبرد مؤثر برای وادار کردن ایران به تسلیم. او تأکید کرد که ابزار تحریم تا حد زیادی مصرف شده‌اند و ایران نیز توانایی ایجاد هزینه اقتصادی برای امریکا و متحدانش را دارد.

■ ایران راهبرد جنگ اقتصادی دارد

تحریم‌ها رویداد تازه‌ای در سپهر اقتصادی ایران نیستند و در سال‌های اخیر و به ویژه پس از اعمال سیاست فشار حداکثری، ایران توانسته سازوکار متناسب با این فشار را طراحی کند. ایران علاوه بر توانایی انطباق با شرایط، ابزارهای سخت متعددی برای مقابله با این جنگ اقتصادی دارد. اقدامات ایران برای تطبیق با تحریم، چه در جهت درآمدزایی و دور زدن تحریم‌ها و چه در اتخاذ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و تکیه بر توانمندی‌های داخلی، توانسته تحریم را به فرصت تبدیل کرده و میزان تاب‌آوری را افزایش دهد. این موضوع در شرایط جنگی نیز برای تداوم حیات اقتصادی دنبال می‌شود. به طوری که حتی تحلیل‌های جدید غربی درباره ایران از مفهوم «اقتصاد بقا» استفاده می‌کنند. وال‌استریت‌ژورنال در تحلیلی در ماه گذشته توضیح می‌دهد که ایران در نتیجه فشارهای طولانی‌مدت به سمت اقتصادی حرکت کرده که هدفش در موقعیت جنگ دیگر الزاماً رشد و توسعه نیست، بلکه دوام آوردن در شرایط تحریم است. این اقتصاد با کاهش سرمایه‌گذاری، کنترل واردات و شبکه‌های دور زدن تحریم، خود را با فشار خارجی تطبیق می‌دهد.

■ ضربات اقتصادی متقابل

در حال حاضر، ایران شیوه‌های مختلفی برای ضربه به اقتصاد امریکا دارد. اولاً، بسته ماندن هرمز پیامدهای متعدد اقتصادی در جهان و به ویژه امریکا ایجاد کرده و تداوم کمبود کالاهای اساسی و انرژی می‌تواند به بحران اقتصادی گسترده‌تری تبدیل شود. علاوه بر آن، فشار اقتصادی ناشی از وضعیت هرمز، به یکی از عوامل فشارهای سیاسی بر دولت ترامپ تبدیل شده و به شدت وی و همفکرانش را تحت فشار گذاشته است. دکتر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، در تازه‌ترین اظهارات خود از راهبرد جدید ایران برای تقابل با جنگ اقتصادی امریکا رونمایی کرد. وی با صراحت اعلام کرد اگر جنگ اقتصادی ادامه پیدا کند، «یک قطره نفت» نه از تنگه هرمز و نه از سایر نقاط خلیج فارس صادر نخواهد شد و تأکید کرد که مشارکت و همراهی هر کشوری در جنگ اقتصادی امریکا علیه ایران، از نظر ایران اقدامی جنگی محسوب می‌شود.

او همچنین با ذکر اینکه ایران تا به حال به منافع اقتصادی امریکا حمله نکرده، هشدار داد که اگر جنگ اقتصادی آغاز شود، ایران این منافع را به اهداف مشروعی برای خود تبدیل خواهد کرد. عملی شدن این تهدیدات و حمله به مراکز اقتصادی امریکا در منطقه، ضربات ایران به منافع کلی امریکا را چند برابر می‌کند و یادآور هزینه‌های سنگین و خسارت‌های گسترده‌ای است که ایران با حمله به پایگاه‌های نظامی به امریکا تحمیل کرد. این در حالی است که منافع اقتصادی به دلیل نبود لایه‌های حفاظتی و پدافندی، ضربه‌پذیرتر و دارای هزینه‌هایی به مراتب بزرگ‌تر هستند و امریکا و متحدانش که سهمی در این منافع دارند، با سطوحی دیگر از جنگ مواجه می‌شوند که پیش‌تر در آن شکست خورده بودند. این اقدام حتی می‌تواند با ناامن‌سازی تمام جنبه‌های حضور امریکا، به خروج این عامل بی‌ثباتی از منطقه نیز کمک شایانی کند.

فشارهای اقتصادی امریکا تلاش‌هایی برای تغییرات درونی در داخل ایران هستند. ایجاد نارضایتی و فشارهای معیشتی بر مردم برای ایجاد انگیزه خروش آنها علیه حاکمیت و در نهایت اغتشاش برای براندازی، یکی از مهم‌ترین اهداف امریکا از اعمال سیاست‌های فشار حداکثری است. در اصل، جنگ با ایران با امید به اینکه آشوب داخلی می‌تواند به عنوان مکمل موجب فروپاشی نظام شود، آغاز شد. رسانه‌های غربی فاش کردند که ترامپ با اعتماد به طرح موساد برای ایجاد آشوب در میان جنگ، جنگ را کلید زد. تردیدی نیست که گزینه تکراری جنگ اقتصادی در عمل نتوانسته موجب تغییر در سیاست‌های تهاجمی ایران و حتی روند مذاکرات شود و ایران همچنان مدیریت تنگه هرمز را به شیوه سخت و تنبیه کشتی‌های متخلف پیگیری می‌کند و تا تمکین امریکا به شروط ایران، هم در تفاهم‌نامه پاکستان و هم در شروط جدید برای بازگشایی تنگه، آن را بسته نگه خواهد داشت. در همین زمینه، پولیتیکو می‌نویسد: ترامپ می‌خواست با فشار اقتصادی ایران را خسته کند، اما حالا صورت‌حساب آن بیشتر به سمت واشینگتن برگشته است. مشخص نیست فشارهای اقتصادی بتواند ایران را به پذیرش شروط واشینگتن وادار کند. در طرف مقابل، هزینه‌های جنگ برای امریکا نیز بالا رفته است. قیمت نفت به ۹۰ دلار رسیده، هزینه استقراض دولت افزایش یافته و نگرانی‌ها درباره تداوم تورم بیشتر شده است.

روایت مقاومت
روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR

ایران تماشاگر نیست

محاصره دریایی ایران، برخلاف تصویری که ممکن است برخی در واشینگتن تلاش کنند از آن ارائه دهند، موضوعی نیست که از امروز آغاز شده باشد. ایران ماه‌هاست با محدودیت‌های دریایی، فشارهای اقتصادی و تلاش برای مختل کردن مسیرهای صادراتی خود مواجه است اما آنچه در عمل اتفاق افتاده، با آنچه طراحان این فشار انتظار داشتند فاصله زیادی دارد. ایران نفت خود را فروخته، مسیرهای صادراتی خود را حفظ کرده و حتی در مقطعی توانسته حدود ۷۰ میلیون بشکه نفت را در چند روز صادر کند. این یعنی محاصره، دست کم تاکنون، نتوانسته مهم‌ترین هدف خود، یعنی متوقف کردن جریان اقتصادی ایران را محقق کند.

«صدای ایران»، روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR، در سرمقاله شماره ۴۲۸ خود، با اشاره به این مقدمه نوشته است: مواضع اخیر سرلشکر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، را باید از همین زاویه خواند. پیام تهران این است که ایران قرار نیست منتظر بماند تا امریکا حلقه محاصره را تنگ‌تر کند و بعد درباره واکنش خود تصمیم بگیرد. نقشه ایران، شکستن محاصره در میدان اقتصادی است؛ حفظ صادرات نفت، استفاده از مسیرها و ظرفیت‌های موجود، فعال نگه داشتن شرکای تجاری و جلوگیری از تبدیل شدن فشار امریکا به یک اجماع اقتصادی علیه ایران. آنچه اهمیت دارد، این است که تهران نشان دهد هیچ محاصره‌ای صرفاً با اعلام واشینگتن به یک واقعیت عملی تبدیل نمی‌شود.

در این میان، هشدار ایران به کشورهای دیگر هم بخش مهمی از این راهبرد است. پیام تهران روشن است؛ کشورهایی که قصد دارند در پروژه فشار اقتصادی امریکا مشارکت نکنند، می‌توانند روابط خود را با ایران ادامه دهند اما اگر دولتی آگاهانه وارد طرح محدودسازی اقتصادی ایران شود، دیگر نمی‌تواند خود را صرفاً یک بازیگر بی‌طرف بداند. البته، همان‌طور که در سخنان دبیر شورای عالی امنیت ملی تأکید شده، مرحله نخست، مذاکره و هشدار است، یعنی ایران ابتدا تلاش می‌کند به کشورها توضیح دهد که همراهی با امریکا، آنها را وارد یک تقابل پرهزینه خواهد کرد و بهتر است صف خود را از واشینگتن جدا کنند.

اما اگر این هشدار نادیده گرفته شود، معادله تغییر خواهد کرد. ایران اعلام کرده است که در برابر کشوری که در ایجاد محدودیت اقتصادی علیه ایران مشارکت کند، مقابله‌به‌مثل خواهد کرد و منافع آن کشور را هدف قرار خواهد داد. این بخش از راهبرد ایران شاید مهم‌ترین قسمت ماجرا باشد، چرا که هدف آن صرفاً پاسخ دادن به یک اقدام نیست، بلکه تغییر محاسبه کشورهایی است که ممکن است وسوسه شوند به پروژه محاصره امریکا بپیوندند. در واقع، امریکا تلاش دارد هزینه فشار علیه ایران را میان دیگر کشورها تقسیم کند. واشینگتن اگر بتواند کشورهای منطقه یا شرکای اقتصادی ایران را به اجرای محدودیت‌ها وادار کند، بدون آنکه خود مستقیماً تمام هزینه‌های این فشار را بپردازد، می‌تواند حلقه محاصره را تنگ‌تر کند. پاسخ ایران دقیقاً در نقطه مقابل این طراحی قرار دارد: اگر کشوری در محاصره اقتصادی ایران شریک شود، هزینه این مشارکت هم باید متوجه منافع همان کشور شود. به این ترتیب، محاصره از یک فشار یک‌طرفه به معادله‌ای تبدیل می‌شود که هر بازیگری پیش از ورود به آن، باید هزینه و فایده تصمیم خود را محاسبه کند.

نکته مهم‌تر اما در سطحی بالاتر قرار دارد. بازگشت امریکا به ابزار تحریم و فشار اقتصادی، صرفاً یک تصمیم اقتصادی نیست؛ این اقدام را می‌توان از منظر سیاسی و راهبردی، اعترافی به ناکامی در رسیدن به اهداف نظامی دانست. اگر واشینگتن در میدان نظامی به اهداف مورد نظر خود دست یافته بود و می‌توانست ایران را با اتکا به تهاجم نظامی وادار به تسلیم کند، نیازی به بازگشت گسترده به فشار اقتصادی و تلاش برای بستن مسیرهای تجارت ایران نداشت. وقتی ابزار نظامی نتواند نتیجه مطلوب را تحمیل کند، طبیعی است که فشار اقتصادی دوباره به صحنه بازگردد.

از همین زاویه، نباید محاصره دریایی را صرفاً یک تهدید اقتصادی دید. این سیاست، ادامه جنگ و بخشی از تلاش بزرگ‌تری برای فرسایش توان ایران و وادار کردن کشور به عقب‌نشینی است. پاسخ ایران هم نمی‌تواند صرفاً دفاعی و منفعلانه باشد. تهران باید نشان دهد که فشار علیه اقتصاد ایران، هزینه‌هایی برای طراحان و همراهان آن هم ایجاد خواهد کرد. ایران در جنگ سوم با رویکرد نبرد نامتقارن، دشمن را ناکام گذاشت و ناظران و تحلیلگران را به شگفتی واداشت. در مرحله جدید جنگ که میدان اقتصادی در پیشانی آن است نیز، راهبرد ایران می‌تواند و باید نامتقارن باشد. البته که این جنگ تک‌بعدی نبوده و ابعاد مهم دیگری همچون رسانه‌ای و شناختی نیز دارد که بسیار مهم هستند و نباید از نظر دور بمانند. دشمن باید بداند و بفهمد که ما در این جنگ سرنوشت‌ساز، تا آخرین نفس ایستاده‌ایم.

گزیده خبر

قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه خبر داد

شهادت بسیجی اهل سنت به دست اشرار کوردل

روابط عمومی قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه از شهادت بسیجی اهل سنت «نادر سارانی سخی» در منطقه شیرآباد زاهدان در پی حمله افراد شرور و کوردل خبر داد.

به گزارش سپاه‌نیوز به نقل از روابط عمومی قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه، بسیجی اهل سنت «نادر سارانی سخی» روز شنبه در منطقه شیرآباد زاهدان در پی حمله افراد شرور و کوردل به شهادت رسید. در این بیانیه تصریح شده است: بدون تردید، خون پاک این شهید والامقام، عزم نیروهای امنیتی و مردم را برای مقابله با ناامنی و شرارت مستحکم‌تر خواهد کرد. روابط عمومی قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه همچنین تأکید کرده است: قطعاً عاملان این جنایت به سزای اعمال خود خواهند رسید و دستگاه‌های مسئول با جدیت موضوع را پیگیری خواهند کرد. پیکر مطهر شهید «نادر سارانی سخی» امروز سه‌شنبه، ۳ شهریورماه ۱۴۰۵، ساعت ۱۲ ظهر از میدان امام‌حسین(ع) تشییع خواهد شد. این بیانیه از عموم مردم شهیدپرور دعوت کرده است با حضور در این مراسم، ضمن گرامیداشت یاد و خاطره این شهید والامقام، با آرمان‌های شهدا تجدید پیمان کنند.

سخنگوی وزارت کشور عنوان کرد

قانون برگزاری تجمعات در مسیر نهایی‌شدن

**سخنگوی وزارت کشور درباره قانونمند شدن برگزاری تجمعات گفت: با تعامل معا